

در دفاع از خلیل ملکی

(به همراه متن مدافعات در دادگاه نظامی)

www.ketab.ir

دکتر کمال قائمی



نشر هزارکرمان

تهران - ۱۴۰۰

سرشناسه	: قائمی، کمال، ۱۳۰۹ - Ghaemi, Kamal
عنوان و نام پدیدآور	: در دفاع از خلیل ملکی/ کمال قائمی؛ ویراستار عقاب علی احمدی.
علی احمدی	
مشخصات نشر	: تهران: هزار کرمان، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۶۸۸ ص.
فروست	: تاریخ معاصر - ۱
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۰۰-۲۴-۴
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیفا
موضوع	: ملکی، خلیل، ۱۳۴۸-۱۲۸۰ -- نقد و تفسیر
موضوع	: سوسیالیسم -- ایران
موضوع	: Socialism -- Iran
موضوع	: نفت -- ایران -- صنعت و تجارت -- ملی‌شدن
موضوع	: Petroleum industry and trade -- Government ownership -- Iran
موضوع	: ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۵۷-۱۳۲۰
موضوع	: Iran --- History - Pahlavi, 1941-1978
موضوع	: ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۰۴ -- اسناد و مدارک
موضوع	: Iran -- History -- Pahlavi, 1925-1941 -- Sources
رده‌بندی کنگره	: DSR ۱۴۸۶
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۰۵۰۱۲

نقل (جز به منظور معرفی و نقد کتاب)، اقتباس، بازنویسی، چکیده‌نویسی، خواندن در رادیو و تلویزیون، استفاده در سریال‌ها و نمایش‌نامه‌ها، انتشار در اینترنت و هر نوع استفاده دیگر، بی‌اجازه کتبی نویسنده و ناشر محترم است.

نشر هزار کرمان: تهران، خیابان کارگر جنوبی، پایین‌تر از میدان پاستور،
خیابان دانشگاه جنگ، پلاک ۹ تلفن: ۶۶۹۲۳۹۲۵ و ۰۹۱۲۷۳۳۴۲۶۶
Email: nashrhazarkerman@yahoo.com
www.hazarekerman.ir
پست الکترونیک



نشر هزار کرمان

در دفاع از خلیل ملکی

نوشته: دکتر کمال قائمی

ویرایش و نمایه‌سازی: عقاب علی احمدی
حروفچینی: افسانه شاه کرمی؛ علی اصغر حکم‌آبادی
استخراج نمایه: خسرو هادیان
طرح روی جلد: ابراهیم حقیقی
چاپ اول: ۱۳۹۹ - شمارگان: ۵۰۰ نسخه
چاپ دوم: ۱۴۰۰ - شمارگان: ۳۰۰ نسخه
ویرایش تصاویر: خسرو هادیان
لیتوگرافی: کارا، چاپ و صحافی: غزال
ناشر: انتشارات هزار کرمان

ISBN: 978-600-5700-24-4

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۰۰-۲۴-۴

فهرست

۷.....	آشنایی من با خلیل ملکی
۸.....	در راه خانه ملکی
۱۰.....	ورود خلیل ملکی به سیاست
۱۱.....	در تشکیل حزب
۱۲.....	خطر توقف ناگهانی انتشار روزنامه شاهد
۱۳.....	اداره کردن برنامه سیاسی رادیو
۱۴.....	پس از کودتا
۱۶.....	شق دوم ایراد در نحوه عمل ملکی
۱۸.....	دو پیشنهاد، سوغات سفر آمریکا
۱۹.....	مرگ ملکی
۲۱.....	مقدمه
۳۳.....	یادداشت ویراستار

بخش نخست: به پیشواز توفان

۳۷.....	گفتار اول: خلیل ملکی پیش از کودتای ۲۸ مرداد
۴۱.....	گفتار دوم: چشم‌انداز جامعه و دولت ایران به هنگام هجوم متفقین
۴۵.....	گفتار سوم: نمونه‌های برجسته «دولت طبقه حاکم»، در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰
۴۹.....	گفتار چهارم: بر سر کارآمدن دولت قوام، شتاب شاه و بولارد
۵۴.....	شکل‌گرفتن سیاست آمریکا در ایران
۵۷.....	تذکاریه آمریکا به انگلستان: مبنای سیاست آمریکا در ایران
۵۷.....	برنامه سیاسی آمریکا
۵۸.....	کمیود خواروبار و فشار بر دولت

- ۵۹ دستگیری‌ها
- ۵۹ پاسخ‌های وزارت امور خارجه انگلستان
- ۵۹ سیاست غرب
- ۵۹ علت اشغال نظامی طهران
- ۶۰ تأخیر در تحویل خواروبار
- ۶۱ گفتار پنجم: از فروغی تا ساعد، از شهریور ۱۳۲۰ تا مسأله نفت شمال
- ۶۹ گفتار ششم: در راه ملی شدن صنعت نفت
- ۷۵ گفتار هفتم: تأسیس حزب زحمتکشان ملت ایران: نقطه عطف
- ۷۸ انشعاب از حزب توده یک خواسته تاریخی بود
- ۸۱ گفتار هشتم: طرح توطئه علیه ملکی و حزب زحمتکشان نیروی سوم
- ۸۳ توطئه اول: خرابکاری حزب توده در حزب زحمتکشان
- ۸۸ توطئه دوم: کوشش برای ضعیف کردن حزب زحمتکشان
- ۹۳ توطئه سوم: دروغ‌پردازی و فتنه‌گری در حزب نیروی سوم
- ۹۵ گفتار نهم: کارکرد رجال جبهه ملی و رهبری نیروی سوم (خلیل ملکی)

بخش دوم: خلیل ملکی پس از کودتای ۲۸ مرداد

- ۱۴۱ گفتار دهم: فعالیت‌های خلیل ملکی پس از کودتای ۲۸ مرداد
- ۱۴۲ رابطان دکتر مصدق و خلیل ملکی
- ۱۴۴ سیاست آمریکا در ایران و کشورهای شرق
- ۱۴۵ تجربه سیاست آمریکا
- ۱۴۸ دوره دولت‌های پس از کودتا
- ۱۵۳ کوشش جدید سیاست خارجی
- ۱۵۵ شاه خبردار می‌شود
- ۱۵۶ جبهه ملی دو تکه می‌شود
- ۱۵۷ از شایعه‌ها و خوش‌باوری‌ها یا بی‌خیالی‌ها
- ۱۵۹ آخرین برخورد شاه و اقبال
- ۱۶۱ جبهه ملی سه تکه می‌شود
- ۱۶۲ ناگفته‌های ائتلاف در دولت جعفر شریف‌امامی
- ۱۶۳ دولت شریف‌امامی دولت محلل نبود؛ کوشش خلیل ملکی برای اتحاد و ائتلاف

۱۶۶	 اخبار انتخابات آمریکا و پیشی گرفتن سناتور کندی
۱۶۹	 اعلامیه عجیب
۱۷۱	 اعلامیه عجیب تر
۱۷۴	 استمرار دولت شریف امامی، یک قدم به سوی زنده شدن نهضت ملی
۱۷۷	 بمب شاهی و دستگیری و حبس ملکی
۱۷۸	 بمب دوم شاهی، برکناری تحقیرآمیز شریف امامی
۱۸۰	 زندانی شدن خلیل ملکی و محاصره نیروی سوم
۱۸۹	 گفتار یازدهم: دوره دولت های اسدالله علم و علی امینی
۱۹۱	 آغازی دیگر
۱۹۴	 رنج و کوشش های دیگر ملکی
۲۲۲	 پایان جبهه ملی دوم؛ مقدمه جبهه ملی سوم
۲۲۷	 نامه ای که مثله شد؛ طرحی عجیب
۲۳۱	 تشکیل جبهه ملی سوم؛ مقدمه حبس و محاکمه خلیل ملکی
۲۵۲	 شاه احساس خطر می کند
۲۶۷	 جبهه ملی سوم

بخش سوم: محاکمه و دفاعیات خلیل ملکی

۲۷۹	 گفتار دوازدهم: گزارشی از کوشش برای انتشار دفاعیات
۲۷۹	 متن اصلی دفاعیات چگونه گم شد؟
۲۸۳	 سرگذشت نشر دفاعیات
۲۸۴	 افتادن اصل مجموعه دفاعیات به دست ساواک
۲۸۸	 گزارش هایی از دستکاری
۲۹۱	 جستجو برای یافتن متن اصلی
۲۹۳	 مدافعات خلیل ملکی بر اساس متن منتشر شده در جراید

بخش چهارم: سه گفتار در باب ابعاد نظری انشعاب های سیاسی

۴۷۱	 گفتار سیزدهم: انشعاب، حرکتی جهشی و مترقی
۴۷۱	 نخستین انشعاب، نخستین جهش
۴۷۳	 نخستین انتخابات حزبی، ادامه یافتن انشعاب ها

آشنایی من با خلیل ملکی

در اوایل بهار سال ۱۳۲۸ من به حلقه خانه ملکی راه پیدا کردم. آشنایی من با خلیل ملکی و همراهان او بسیار اتفاقی بود؛ یا بهتر بگویم، من در سر راه انتخاب قرار گرفتم. در آن سال من به دانشکده پزشکی وارد شده و در کوی دانشگاه (امیرآباد) ساکن بودم. حزب توده زیر عنوان «سازمان دانشجویی» سروصدای زیادی به راه انداخته بود و به تقریب، اوقات زیادی از زمان درس و مطالعه دانشجویان دیگر را می گرفت. در کوی دانشگاه این وضع بدتر بود. زیرا استراحت و حتی خواب دانشجویان را مختل می کرد. در هر دانشکده و در کوی دانشگاه، چند تن رهبر و آیدئولوژ آرموده برنامه ریزی های این حزب را پی می گرفتند. در کوی دانشگاه ابوالحسن ضیاء ظریفی و در دانشکده پزشکی، رسولی نامی جزو این سردهسته ها بودند.^۱

تعدادی از دانشجویان دنباله روی آنها می شدند. اکثریت ناراضی محیط آرام می خواستند اما اعتراض مشهودی نکرده اغلب ساکت می ماندند. کسانی هم مانند من که به هر دلیلی با آیدئولوژی حزب توده مخالف بودند، در محوطه دانشگاه و به

۱. ابوالحسن ضیاء ظریفی دانشجوی داروسازی بود. او بعدها با برادرزاده احمد زیرک زاده، از سران جبهه ملی ازدواج کرد. کتابی هم به نام سازمان دانشجویان دانشگاه تهران (نگاهی دیگر به پیشینه مبارزات دانشجویی در ایران ۳۲-۱۳۲۰ش)، نشر شیرازه، ۱۳۷۸، نوشت که در واقع صورت توده ای آن مبارزات است. ابوالحسن و برادرش حسن جزو گروهی توده ای بودند که به کنگره جبهه ملی دوم راه پیدا کرده بود.

خصوص کوی دانشگاه در عذاب بودند و مخالفت و اعتراض می کردند. لیکن برخوردها که گاهی تند می شد اغلب فردی و کمتر میان چند نفر بود.

بالاخره جمعی از این افراد که من نیز جزو فعالان آن بودم، به فکر تشکیل «سازمان صنفی دانشجویان» افتادیم. ابتدا این سازمان در کوی دانشگاه و به تدریج در دانشگاه های دیگر تشکیل گردید. چون عنوان «صنفی» در واقع در مقابل «رفتار سیاسی» حزب توده انتخاب شده بود، افراد ساکت و منفعل نیز کم کم به این سازمان های صنفی پیوستند یا در اجتماعات آن بیشتر شرکت می کردند.

در راه خانه ملکی

یک روز در اجتماع فعالان سازمان های صنفی، روبروی دانشکده حقوق اتفاق دیدار با دو تن دست داد که بحث و بیان جالبی داشتند که از نوع سخن پردازی توده ای ها بود. آن دو بحث و جدل و نظریه پردازی ای ارائه می کردند که برای من جالب بود. در این زمان، در خارج از دانشگاه دکتر مظفر بقایی و هواداران او علیه دیکتاتوری و برای حفظ آزادی انتخابات در قالب دو سازمان جوانان فعالیت می کردند. این فعالیت ها به دنبال سوء قصد به شاه در بهمن سال پیش از آن، به راه افتاده بود و بسیار هیجان انگیز و هشدار دهنده بود. لذا گروهی از جوانان دانشجو و غیر دانشجو به آن پیوسته بودند و من یکی از آنها بودم. در برخی از آن گردهمایی ها آن دو دانشجو را می دیدم، ولی پیگیر نام و نشان آنها نبودم.

اما سرانجام در جلسات رهبری سازمان صنفی دانشجویی با نام آنها آشنا شدم. آن دو نادر نادرپور و هوشنگ ساعدلو بودند. گاه فرد سومی نیز همراه آنها دیده می شد که شمس آل احمد بود. در برخی اجتماعات سازمان های دکتر بقایی نام آل احمد دیگری به گوش می خورد. شاید هم او را دیده بودم، ولی نمی دانستم که او جلال آل احمد است. در آن دوره آشنایی های مقدماتی دریافتم که نادر نادرپور و هوشنگ ساعدلو و شمس آل احمد از گروه منشعبان از حزب توده بودند. کم کم من و چند تن دیگر از فعالان دانشجویی با این سه نفر آشنایی بیشتری پیدا کردیم؛ جاذبه ای از آن سو و کششی از این سو بود. عصر یک روز به همراه نادرپور و یا ساعدلو به خانه خلیل ملکی در چهارراه پهلوی، بن بست

فردوسی رفتیم. خانه دوطبقه کوچکی بود که طبقه بالایی آن در اجاره خانواده ملکی بود. این طبقه دو اتاق خواب و یک سالن متوسط داشت. در این خانه من با خانم صبیحه ملکی و فرزندان کوچک تا نوجوان او آشنا شدم. کمی بعد چهار پنج تن از دوستان که با آنها در سازمان‌ها می‌بودم، وارد شدند. تا غروب آن روز، دو سه نفر دیگر بر تعداد حاضران افزوده شد. خلیل ملکی قامتی نیم بلند و نیم فربه داشت. سر او به شکل مشخصی در دوسوم بالا طاس بود. چشمانی نافذ و چهره‌ای روشن و خندان داشت. او با خوشرویی پذیرای همه بود و به فارسی، با لهجه نسبتاً غلیظ آذری سخن می‌گفت. گرچه بحث او از ابتدا پیرامون محور تاریخ و فلسفه تاریخ دور می‌زد، اما جلسات به صورت منظم برگزار نمی‌شد. با آن که او از سیاست و یا حزب توده صحبت نمی‌کرد، اما به شنیدن مسائل و اخبار روز از طرف حاضران علاقه نشان می‌داد، گاهی طنز و به خصوص طنزهای مجله توفیق را بازگو می‌کرد و به طنزهای دیگران هم گوش می‌داد.

کم‌کم تعداد شرکت‌کنندگان در این جلسه بیشتر شد و لاجرم قرار شد، این جلسه دو روز در هفته برگزار شود: روزهای شنبه برای دانشجویان علوم تجربی و چهارشنبه‌ها برای دانشجویان علوم اجتماعی. اما این قرار غلبه اجرا نمی‌شد. برخی از دانشجویان در روزهای دیگر هم می‌آمدند و یا دانشجویان دیگر را همراه می‌آوردند. مشکل بزرگ خانه کوچک خلیل ملکی بود. لاجرم در روزهای وسط هفته هم جلسه تشکیل می‌گردید. خواه ناخواه، افرادی آماده می‌شدند که مانند طرح عمل توده‌ای‌ها، رهبری گروه دانشجویان سازمان‌های صنفی را به عهده گرفته، با گروه‌های توده‌ای مقابله کنند. حتی در زمان‌هایی که حزب توده بهانه زدوخورد را فراهم می‌کرد، گروه‌های صنفی جسورانه به آن پاسخ می‌دادند. در مباحثات نیز با طرح و نظر تازه با افراد و یا گروه‌های توده‌ای برخورد می‌کردند. حزب توده به تدریج در اواخر سال ۱۳۲۸ از منبع این تغییر فاحش در برخوردها و مبارزه سازمان‌های صنفی آگاه گردید. لیکن از ناحیه ملکی غیر از این جلسات، فعالیت سیاسی یا نوشتاری، دیده نمی‌شد که حزب توده به معارضة آشکار برخیزد.

جلال آل‌احمد در سازمان‌های وابسته به مظفر بقایی فعالیت بیشتری می‌داشت. گهگاه به برخی از جلسات خانه ملکی می‌آمد. او با ما رفتاری دوستانه و رفیقانه داشت و فاصله سنی او با بیشتر دانشجویان حدود شش تا هفت سال بود.